



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۷/۰۲



داکتر محمد شعیب مجددی

پیرامون نوشته «تشنج بین افغانستان و پاکستان»

نوشته دوست و برادر عزیز آقای جلیل غنی هروی «تشنج بین افغانستان و پاکستان» را خواندم. همیشه ازین قلم مطالب نیک و پر محتوی پخش میگردد. خواستم پیرامون این نوشته شان مطلبی اضافه نمایم. هر چند در رسانه های گروهی خصوصاً نوشتاری رسم و رواج شده است تا یک نوشته پخش می گردد چندین قلم متحرک و مقالات متنوع پیرامون آن نوشته می شود در بخش معلوماتی و اصلاح مطلب کار بدی نیست که اسناد، شواهد و معلومات مؤثق پخش گردد اما اینکه قلم فرسایان ما تعرض شخصی می نمایند و با کلمات زننده و توهین آمیز نویسنده را به شکلی از اشکال ترور شخصیت می کنند قابل پذیرش نبوده و امیدوارم دروازه بخش توهین و تعرض شخصی برای همیشه مسدود گردد. نوشته من با لطف، محبت و احترام به آقای جلیل غنی آغاز و ختم خواهد شد. امید است رسم و رواج های توهین و ترور نویسندگی تغییر و نوشته های ما بر اساس ادب و احترام به دیگران با حفظ اختلافات نظر زیب چاپ یابد.

موضوع تشنج پاکستان با افغانستان و سابقه تاریخی آن خصوصاً بیان خط دیورند بسیار مهم و اساسی می باشد و آرزو دارم علما، دانشمندان و قلم بدستان ما بدون تعرض و توهین به یکدیگر روی این مطلب مهم با اسناد و شواهد چراغی سر راه مردم ما گردند.

نوشته من همچنان که در بخش اول یادآور شدم «خواستم پیرامون این نوشته شان مطلبی اضافه نمایم» یاد شما اگر باشد آهنگ محلی در سرزمین ما با شعر دلنشین بابا طاهر همیشه زمزمه می شد.

اگر دردم یکی بودی چه بودی

وگر غم اندکی بودی چه بودی

درد و یا مشکل افغانستان اگر یکی می بود تداوی و یا رفع مشکل نسبی آسانتر میسر می شد متأسفانه که امراض و مشکلات افغانستان دامنه وسیع دارد شاید هم برای همین تداوی امراض و رفع مشکلات اگر امکان داشته باشد دوا مدار خواهد بود. در پهلوی مشکل افغانستان و پاکستان که محترم آقای غنی یاد کردند واقعاً با ایشان موافقم با این اضافه که شاید مهمترین آن معطله خط دیورند باشد. پاکستان به همه چال های این بازی شطرنج که به کشتار مردم بی گناه ما تمام می شود دوام خواهد داد تا روزی به آن پیروزی و موفقیت بزرگ برای پاکستان یعنی قبول خط دیورند از طرف افغانستان برسد. باور من درین است همچنان که امنیت و آرامش یک خانه بر دیوار ها و دروازه های مستحکم آن ارتباط دارد امنیت، تمامیت ارضی، مصونیت ملی و آرامش مردم یک مملکت نیز به مرز های مستحکم آن مربوط

می شود. امروز متأسفانه که افغانستان از چندین طرف بی دروازه و سرحد مستحکم می باشد و از هر دیاری با اسلحه، جاکت انتحاری و مواد منفجره، خائن و جاسوس داخل افغانستان می شوند و هرچه دل شان خواست انجام میدهند و ازین طرف مواد مخدر که متأسفانه افغانستان مقام دوم و یا سوم را در جهان دارد به آن طرف مرزها و در سراسر جهان پخش می گردد. موادی که اگر روزی قانونمندان زرع و جمع آوری شود و به جای مواد مخدر، ادویه برای تداوی مریضان آماده گردد شاید ما در جهان مقام بلندی درین راستا کسب نماییم و از عایدات اقتصادی آن مشکلات خود را رفع گردانیم. بلی دوست عزیز خط دیورند بسیار مهم است این مشکل بزرگ را وقتی می توانیم حل نماییم که قدرتمند باشیم فعلاً که افغانستان یک شیر زخمی است و هر کرگسی در تلاش که خون، گوشت، پوست و استخوانش را بخورد اگر داخل مذاکرات با پاکستان شویم از یک مقام و موقعیت ضعیف خواهد بود و به نفع پاکستان تمام می شود. من امیدوارم افغانستان ان شاء الله دوباره به پای ایستاده می شود و ما از یک مقام قوی با سیاستمداران با تجربه منحصیث یک طرف مساوی با پاکستان داخل مذاکره گردیده و نتیجه و یا حل موضوع دیورند به شکلی از اشکال به نفع افغانستان و پاکستان خواهد بود. شما یاد نمودید که افغانستان محاط به خشکه می باشد و واقعاً فعلاً حقیقت چنین است اما امید و آرزو داریم که افغانستان همچنان که حقش می باشد و روزگاری می گویند سردار محمد داود خان نیز چنین گفته بود راه به آب بحر پیدا نماییم و دیگر افغانستان محاط به خشکه یاد نگردد.

گفته آمد که «اگر دردم یکی بودی چه بودی» درد ها و مشکلات افغانستان بسیار زیاد است. مشت نمونه خروار به چند مشکل بزرگ اشاره می گردد. اما پیش از آن شاید با من موافق باشید که مشکلات ما با همسایه ها و دست های تجاوزگر دور و نزدیک ضربات محکم بر افغانستان گوبیده است. رابطه حسنه و احترام متقابل بین افغانستان و همسایه ها به نفع همه خواهد بود. جنگ و مخاصمت با همسایه زهر تلخیصت که کام همه را آزرده می سازد. امید می گردد تا رابطه ها حسنه و نیک شود. بر میگردیم به بیان مشکلات افغانستان، از مشکل افغانستان و پاکستان در نوشته دوست عزیز جلیل غنی و دیگر نویسندگان به مراتب یاد شده است تکرار نمی کنم از مشکلات دیگر یاد آوری می گردد.

اول : مشکلات افغانستان با ایران: شاید مشکلات افغانستان و پاکستان بنا بر ظواهر اعمال فرستاده های پاکستان واضح و آشکار باشد که در فوق مشکلات قرار دارد اما مشکلات افغانستان و ایران نیز به همان پیمانه، ولی زیر بنائی و خفیه می باشد. خطر کلی اینست که اگر امروز به این مشکل توجه نگردد فردا شاید این از مشکل پاکستان بزرگتر گردد. فقط به یک موضوع که رسانه های گروهی درین روزها از آن یاد می کنند روشنی می اندازم. هر چند سر شما به درد می آید اجازه دهید راپور بی بی سی را آنچنان که روز ۲۷ جون ۲۰۱۶ پخش شده است خدمت تقدیم گردد. «دولت افغانستان دریافت نامه ای از مخالفان دولت سوریه را تأیید کرده و گفته است که تلاش دارد از طریق کانال های دیپلماتیک و وزارت مهاجرین افغانستان این مسأله را بررسی کند. یک شبکه تلویزیونی خصوصی در افغانستان ادعا کرده که در این نامه از دولت افغانستان خواسته شده که مانع ورود اتباعش به جنگ سوریه شود. در این نامه آمده است که بیش از هشت هزار تبعه افغانستان از سوی ایران به جنگ سوریه فرستاده شده اند. بنا بر این گزارش، هیثم المالح، رئیس کمیته قانونی ائتلاف ملی نیروهای انقلابی سوریه، در این نامه نوشته است: «ملیشیه های افغانی در سال ۲۰۱۲ از سوی ایران و با انگیزه مذهبی وارد کارزار سوریه شده اند.» همچنین در آن ادعا شده که اتباع افغانستان در جنگ سوریه «به گونه بی رحمانه» به کشتار مردم و جنایت های جنگی دست می زنند. بی بی سی فارسی اخیراً شواهدی از اعزام هزاران پناهنجوی افغان به جنگ سوریه را به دست آورده بود که نشان

می‌داد سپاه پاسداران ایران، مردان افغان را برای جنگ در کنار نیروهای بشار اسد، رئیس جمهوری به سوریه می‌فرستد. جنگجویان افغان اکثراً از میان پناهجویان محروم و آسیب پذیر داخل ایران جذب می‌شوند. وزارت خارجه ایران موضوع اعزام مردان افغان به جنگ سوریه را همواره تکذیب کرده و تنها در یک مورد مقامات ایرانی گفته اند که نیروهای افغان داوطلبانه و برای دفاع از اماکن مقدس به سوریه فرستاده می‌شوند» در راپور دیگری که بی‌بی‌سی و رسانه‌های گروهی افغانستان پخش کردند چنین می‌خوانیم «وزارت امور خارجه از حضور اتباع کشور در جنگ سوریه نگران است. سخنگوی وزارت امور خارجه تأیید می‌کند که برخی از باشندگان کشور در نتیجه تهدید یا تطمیع نهاد های حکومتی و غیر حکومتی کشور میزبان، برای جنگ به سوریه رفته اند، و وزارت خارجه این موضوع را با کمیساری سازمان ملل در امور پناه جویان در میان گذاشته است. احمد شکیب مستغنی، سخنگوی وزارت امور خارجه می‌گوید: «دولت جمهوری اسلامی افغانستان با جدیت این مسأله را از راه های دیپلماتیک برای تغییر این وضعیت اقدام کرده است و برای جلوگیری از این وضعیت افزون بر حفظ و رعایت حقوق مهاجرین، دولت با کمیساری عالی سازمان ملل متحد در این باره تماس گرفته است و با آنها کار می‌کند تا این مشکل حل شود.»

در همین حال، برخی از نشریه های چاپ تهران گزارش داده اند که ده ها هزار تبعه افغانستان در سوریه با مخالفان بشار اسد در نبرد استند. این نخستین بار است که هفته نامه «رمز عبور» چاپ تهران، که وابسته به محافظه کاران ایران است می‌نویسد که شمار این جنگ جویان به ۱۲ تا ۱۴ هزار تن می‌رسد. در بخشی از این گزارش از زبان محمد حسن حسینی که از فرماندهان جنگجوی افغان در سوریه که چندی پیش در حومه حمص سوریه کشته شد، نوشته است که هر جنگجو روزانه ۵۰ دالر خرج شخصی دریافت می‌کند و به خانواده اش نیز ماهانه ۴۰۰ دالر داده می‌شود. سپاه پاسداران ایران نیز به خانواده های این جنگ جویان خانه و امکانات دیگر فراهم می‌سازند. برخی از این جنگ جویان افغان که در سوریه کشته می‌شوند حتی جسد های شان هم به خانواده های شان نمی‌رسد. برای مادری که بگانه پسرش، مهدی را، در جنگ با مخالفان بشار اسد کشته شد، نیز تنها لباس های فرزندش را آورده اند. حدود سه سال پیش شماری از افغان ها از ایران به سوریه رفتند و به پشتیبانی از حکومت بشار اسد در برابر مخالفان وی جنگ را آغاز کرده اند. برخی از این باشندگان کشور می‌گویند که برای دفاع از حرم زینب کبری، فرزند حضرت علی، امام اول شیعیان، به سوریه می‌روند. یافته ها نشان می‌دهند که افغانان بیشتر در خطوط نخست جنگ استند و حتی گزارش هایی نیز پخش شده اند که هرگاه ایرانی، عراقی یا لبنانی از سوی گروه های دیگر اسیر گرفته شود، با سربازان دیگر مبادله می‌شوند، اما جنگ جویان افغان مبادله نمی‌شوند.»

در پهلوی آن اعدام ها و زندانی نمودن های مهاجرین افغان و ده ها موضوع دیگر در ایران مشکلات بزرگی را خلق نموده است. پیرامون مشکلات افغانستان و ایران این مشتم نمونه خروار است که امیدوارم قلم بدستان ما این نوشته را تکمیل نمایند و دولت افغانستان با سعی و کوشش، هوشیاری و بیداری مشکلات افغانستان و ایران را امروز حل کند. بدون شک ستون پنجم و یا ششم جاسوسان و نوکران حکومت و یا حلقه های گروپ های سیاسی و عقیدتی ایران مثل پاکستان در مقام های بلند دولتی و حلقه های سیاسی، اجتماعی و مذهبی افغانستان وجود دارند. اگر امراض کشنده تعصبات و تفرقه اندازی های مذهبی امروز در ریشه خنثی نگردد فردا درد سر بزرگتر و خونینی متوجه افغانستان خواهد بود. ایران و افغانستان که رابطه بسیار مستحکم دینی، فرهنگی، تاریخی و زبانی با هم دارند امیدوارم برای همیشه رابطه حسنه و احترام متقابل به یکدیگر را چنان مستحکم و حفظ نمایند که سمبل و نمونه دو همسایه خوب در جهان گردند.

دوم : مشکل فساد اداری : فساد اداری یکی از بزرگترین معضلات داخلی افغانستان می باشد. فساد اداری را تنها در رشوت خوردن خلاصه کرده اند که درین جرم رشوت دهنده و رشوت گیرنده هر دو شریک و مفسد می باشند. فساد اداری وحدت ملی و تمامیت ارضی ما را به خطر مواجه می سازد. امیدواریم دولت درین راستا از حقیقت و جدیت استفاده نموده و روش مجازات و مکافات را به شکل حقیقی آن عملی نماید تا مفسدین به جزای اعمال شان رسیده و دامن افغانستان ازین لکه های ننگ پاک گردد. یادم می آید با یکی از مشاورین ارشد رئیس جمهور افغانستان روزی در یک مهمانی در امریکا صحبتی میسر گردید. در همانجا ضرب المثل مشهور افغانستان را استعمال نمودم. «یا تخت یا تابوت» حکومت اگر در مبارزه با فساد اداری جدی و صادق می باشد باید ترس و دلهره شکست را از پالسی خود دور نموده و مجازات را برای مفسدین از ارگ، وزرا، والی ها، رؤسای محاکم، قوماندانان و دستگیر شده های مسلح در جنگ ها همچنان مافیای قدرت به هر سطحی که هستند به شکل دوامدار آغاز نماید. آنگاه نیت حکومت واضح می گردد که در از بین بردن فساد جدی و صادق می باشد. ولی به شکلی که امروز نمایشی شخصی زندانی و یا اعدام می گردد و با اعلانات دوسیه مفسدین این اداره و یا آن اداره به خارنوالی و محاکم سپرده شد بر علاوه اینکه دزدی را دوا نمی کند شرایط فساد بیشتر را برای رشوت خواران آماده می سازد.

سوم : ستون پنجم : هر چند ستون پنجم مشهور شده است اما ستون های ششم و هفتم نیز موجود است. ستون پنجم در حقیقت جاسوسان، نوکران و دست نشانده های کشور های بیگانه همچنان متعصبین قومی، مذهبی، زبانی و منطقوی می باشند که چون مار های زهر دار در آستین دولت و مردم افغانستان داخل گردیده و هر روز نیش می زنند و زهر خود را می ریزند. این مار های داخل آستین از داخل ارگ و مقام های بلند رتبه دولتی، احزاب و گروپ های سیاسی، اجتماعی و مذهبی شروع و تا دفاتر پائین و کوچه و بازار می رسد. خطر و مشکلاتی که ستون پنجم ایجاد میکند از خطر مخالفان مسلح بزرگتر است. این ستون پنجم است که موثرهای پر از مواد منفجره و انتحاری را تا دیوار عمارت محافظین بلند رتبه و دفتر قوماندان امنیه کابل و مقام رئیس شورای صلح می رساند. اینکه بخش هایی از افغانستان با قرارداد ها به مخالفین مسلح سپرده می شود همانا فعالیت ستون پنجم می باشد. به یک نمونه خیانت اعضای ستون پنجم که به تاریخ ۲۵ جون ۲۰۱۶ اتفاق افتاد اشاره می شود. باید یاد آور گردم که قوای نظامی، پولیس ملی و امنیت ملی افغانستان شجاع ترین، جان نثارترین و مدافع ترین قوای مدافع وطن و مردم در روی زمین می باشند و من به وجود همه سربازان وطن دوست و جان نثار افتخار می نمایم. اما در بین این قوای سر بر کف مکروب های ستون پنجم جای گرفته اند که هر روز زهر خود را می ریزند باز هم راپور بی بی سی آنطور که به تاریخ ۲۷ جون ۲۰۱۶ نوشته شده است خدمت شما تقدیم می گردد. «تحويل دوسیه قوماندان پولیس میدان وردک به محاکم افغانستان تأیید شد. دفتر ریاست جمهوری افغانستان تأیید کرده که دوسیه خلیل اندرابی، قوماندان پولیس میدان وردک در جنوب کابل به محکمه فرستاده شده است. آقای اندرابی متهم است که موثر پولیس را در اختیار یک قوماندان طالبان قرار داده است. محمد هارون چغانسوری، نطق رئیس جمهور امروز (شنبه، ۵ سرطان) در یک کانفرانس خبری در کابل گفت که دوسیه آقای اندرابی به مراحل آخری تحقیق رسیده است. وزارت داخله افغانستان نیز اعلام کرده بود که استفاده از موثر پولیس در انتقال یک قوماندان طالبان را با جدیت پیگیری می کند.

قوای امنیتی افغانستان یک هفته قبل از امروز اعلام کرده بودند که قاری ظاهر، مسؤول نظامی طالبان در ولایت بغلان را که در یک موثر پولیس مربوط به قوماندان پولیس میدان وردک به کابل انتقال داده می شد، در منطقه خنجان

ولایت بغلان دستگیر کردند. به گفته وزارت داخله افغانستان، قاری ظاهر در طراحی و تهیه «حملات تروریستی» در ولایت بغلان سهم فعال داشته است.»

با ارتباط به موضوع ستون پنجم به تاریخ پنجشنبه ۳۰ جون ۲۰۱۶ دو حمله کننده انتحاری ۵ پس دانش محصلین اکادمی پولیس را که از مرکز تحصیلی در ولایت میدان وردک عازم کابل بودند، در مسیر راه هدف حمله قرار دادند و ۳۲ پولیس جوان کشته و ۷۹ نفر زخمی شدند.

مجتبی پتنگ وزیر سابق وزارت داخله این حمله را سازمان یافته و غفلت مسوولان را جرم نابخشودنی و دست داشتن نفوذی های هراس افگنان و ستون پنجم را در این حمله بعید نمی داند. مجتبی پتنگ وزیر داخله سابق گفت: «در این حمله زمان به خرج داده شده و در این دشمن کار کرده است، ممکن در داخل پرسونل یا در داخل نیروهای امنیتی، نفوذی دشمن وجود داشته باشد، مکمل پلان را داده برای شان که چی وقت حرکت می کنند، چند بجه حرکت می کنند، چی تعداد پرسونل است، و یک طعمه بزرگ در دهن دشمن انداخته شده.»

امراالله صالح رئیس سابق امنیت ملی می گوید: «کاری را که این مسوولان انجام دادند که اینان را در روز روشن انتقال دادند از نظر من از آن جمله غفلت های وظیفه یی است که تا حد جنایت می توان بالایش اسم گذاشت اینان می توانستند دو بجه شب حرکت کنند، یک بجه شب حرکت کنند بعد از افطار حرکت کنند وقتی حرکت کنند که جاده ها مطلق خالی باشد.»

عصمت الله زخمی رویداد می گوید: «در دروازه قراول دو سه نفر شخصی بود یک قوماندان بود آنان را نیز در موتر ها بالا کرد، موهای شان دراز دراز بود وحشت ناک بود بعد از کمپنی آن طرف تر موتر اول را هم انتحاری زد و موتر پنجم را هم»

فعالیت های ستون پنجم در مقام های بلند رتبه افغانستان اظهر من الشمس است. امروز شخصیت های عالی رتبه امنیتی، نظامی و اداری متهم به ستون پنجم می باشند. رسانه های گروهی خصوصاً بیرون مرزی به وضاحت نام ها و خیانت های آنها را بیان می دارند. در افغانستان می گویند: «تا نباشد چیزی مردم نگویند چیز ها» وقتی این همه اتهام بر بعضی اشخاص وارد است آیا برای حکومت مهم نیست که به اعمال و سوابق آنها غور نماید و یا به اصطلاح قحط الرجال است که همین متهمین را به مقام های مهم و کلیدی باید مقرر کرد.

چهارم: تقسیم کار به اهل کار یا به اساس شایسته سالاری: کار را به اهل آن سپردن یکی از راه های معقول و مقبول پیشرفت و ترقی می باشد. متأسفانه در وطن عزیز ما افغانستان وظایف و مقام ها در بین احزاب، گروپ ها، اقوام، مذاهب و مناطق به طور سهمیه تقسیم می گردد. درین راستا مهم نیست که این شخص لیاقت و اهلیت این مقام را دارد و کار را به شکل احسن به پیش می برد بلکه به پیشنهاد رئیس حزب یا گروپ قومی مذهبی تقسیم می گردد و آن شخص افراد مورد اعتماد خود را به مقام ها مقرر می کند اکثراً اهلیت و شایستگی مطرح نیست. به مراتب تجربه شده است که وقتی شخصی وزیر، والی و یا رئیس مقرر می گردد کوشش میکند که تمام اعضای کلیدی آن دفتر را از تبار خود مقرر کند. این یکی از بدبختی های افغانستان است که ما هنوز یک ملت واحد نشدیم. ای کاش روزی به آن نضج و پختگی برسیم که اگر اکثر وزارت ها به افراد یک قوم و یک مذهب و یا یک منطقه برسد و آن اشخاص اهلیت و شایستگی را داشته باشند هیچ تعرض و انتقادی صورت نگیرد. اما امروز متأسفانه جنگ تقسیم قدرت بر معیار های نا شایسته باعث گردید که وزارت دفاع بعد از دو سال صاحب وزیر شد. تقسیم مقام ها و چوکی ها بین ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه پنجاه پنجاه می باشد. همین تقسیم بندی ها باعث گردیده است که معاون رئیس

جمهور جنرال دوستم امروز ۲۶ جون ۲۰۱۶ به رسانه های گروهی می گوید. خبر بی بی سی « تکلیف کشیدیم رأی آوردیم از ما هم یک – ده تا سفیر باشد از ما یک معاون وزیر دفاع باشد از ما هم یک معاون وزیر داخله باشد» این بود بخشی از مشکلات و امراض افغانستان که به تداوی ضرورت دارد. دوست و برادر عزیز و گرامی آقای جلیل غنی از نوشته شما یک جهان ممنون و امیدوارم قلم شما همیشه پر بار باشد. خواستم به نوشته شما «تشنج بین افغانستان و پاکستان» علاوه کنم. «اگر دردم یکی بودی چه بودی»

